

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ن ز

استاد محمد نسیم "اسیر"
کابل – سنبله ۱۳۳۰ هـ ش
مطابق آگست ۱۹۵۱ ع

پاچه گیر

از دفتر خاطرات گذشته

در ملک ما کسی که رئیس و وزیر شد
ز د غوطه ها به کان نمک تا خمیر شد
چون تکیه بر اریکه جـاه و مقام زد
در فکر کار خود شد و راحت پذیر شد
در پیش پای مقتدران خم نمود سر
بر بی وسیلگان وطن سختگیر شد
کاکا رجب که بی هنر و بی سواد بود
با مکر و حيله واسطه کرد و مدیر شد
برپا نمود بزم سرور و شراب و عیش
رشوت بداد و رشوه گرفت و شریر شد
در رمه همچو گرگ فتاد و درید و رفت
یعنی خدا نکرده "سگ پاچه" گیر شد
بس خائنی که صاحب جاه و جلال گشت
بس بی گنه که هیچ نکرد و اسیر شد
آن را که بود واسطه خـانوادگی
پیهم سفر نمود و مکرر سفیر شد
گر شاعر است یا که نویسنده حیف، حیف
بهر ستایش دو سه ناپاک اجیر شد
هر آمری که رشوه ستانـد به دفتری
مادون به کار چور و چپو ناگزیر شد
دیگر مخـور برای خدا خون مردمان
بگذار جور و ظلم که مردم فقیر شد
گفتم که راست باش به پیش خدا و خلق
کجرو سیاه روی و زیون و حقیر شد
شد روسیاه هر که خیانت به قوم کرد
چون جاده پـراز گل ولایی که قیر شد

خاموش باش [اسیر] که از فرط انتقاد

در شهر هر که می نگریم با تو خیر شد